

قهرمان هندوچین

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)

# قهرمان هندوچین

نویسنده:

پرویز

مترجم:

ذبیح‌الله منصورى

www.ketab.ir

پرویز  
قهرمان هندوچین / نویسنده پرویز؛ مترجم ذبیح‌الله منصوری. -

ISBN: 978-964-6030-20-6

ص ۵۳۶

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.  
کتاب حاضر سرگذشتی است که یک ایرانی که در سپاه لژیون  
خارجی فرانسه خدمت می‌کرده به زبان فرانسه تألیف نموده و توسط  
مترجم در سالهای گذشته در نشریات ایران منتشر شده است.  
۱. داستانهای فرانسوی - قرن ۲۰. الف. منصوری، ذبیح‌الله.  
۱۲۸۸ - ۱۳۶۵. مترجم. ب. عنوان.

۸۴۳/۹۱۴

PQ۲۶۰۸/۹۷

۳۲۹۴ پ

۱۳۷۹

۷۸-۲۷۴۱۳ م

کتابخانه ملی ایران



انتشارات جاودان خرد

**قهرمان هندوچین**

نوشته پرویز

ترجمه ذبیح‌الله منصوری

چاپ: اول ناشر ۱۳۸۶

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

چاپ: ژیان

تهران: خیابان انقلاب - روبروی دانشگاه تهران

تلفن: ۶۶۴۴۵۶۴۰ - ۶۶۴۱۳۹۹۸ - ۶۶۴۰۲۵۷۹

مشهد - احمد آباد - انتشارات جاودان خرد تلفن: ۸۴۳۴۵۲۷

شابک: ۶ - ۲۰ - ۶۰۳۰ - ۹۶۴ - ۹۷۸ - ISBN: 978-964-6030-20-6

کلیه حقوق چاپ و نشر محفوظ است

## فهرست

۹	..... سخن اول
۱۱	..... توضیح مترجم
۱۲	..... گفتار نویسنده
۱۳	..... فصل اول - ترس شدید
۱۸	..... فصل دوم - بین زمین و آسمان
۲۴	..... فصل سوم - روز دمید
۳۰	..... فصل چهارم - جراحی ابدی
۳۴	..... فصل پنجم - من نمی دانستم کیستم
۳۹	..... فصل ششم - یک زمزمه آشنا
۵۳	..... فصل هفتم - من که هستم؟
۵۹	..... فصل هشتم - بین زندگی و مرگ
۶۴	..... فصل نهم - فکر فرار
۷۰	..... فصل دهم - مرگ رئیس صومعه
۷۶	..... فصل یازدهم - فرار
۸۰	..... فصل دوازدهم - قرچه‌های جذام از بدن من بیرون زد
۸۹	..... فصل سیزدهم - فرود آمدن بر فرودگاه

۱۰۰	فصل چهاردهم - یک قتل
۱۰۶	فصل پانزدهم - اضطراب داران بودن هویت
۱۱۲	فصل شانزدهم - گذرنامه
۱۲۳	فصل هفدهم - حادثه
۱۲۷	فصل هیجدهم - ورود به پاریس
۱۳۷	فصل نوزدهم - ارباب من
۱۴۵	فصل بیستم - خواهر اجباری
۱۴۹	فصل بیست و یکم - یک پانسیون قدیمی
۱۵۶	فصل بیست و دوم - در طول راه
۱۶۴	فصل بیست و سوم - در چنبر سرنوشت
۱۷۴	فصل بیست و چهارم - دومین مرگ
۱۸۱	فصل بیست و پنجم - یک سلسله اعمال بدون اراده
۱۸۶	فصل بیست و ششم - یک حادثه در راه
۱۹۴	فصل بیست و هفتم - بیمارستان
۱۹۸	فصل بیست و هشتم - در اداره طب قانونی
۲۰۶	فصل بیست و نهم - در راهی مجهول
۲۱۷	فصل سی ام - سرنوشت ادامه دارد
۲۳۴	فصل سی و یکم - حوادثی که در دریا برای من روی داد
۲۴۳	فصل سی و دوم - من و مرد هندی
۲۶۸	فصل سی و سوم - چگونه زنده ماندم؟
۲۸۰	فصل سی و چهارم - زندگی جدید
۳۰۳	فصل سی و پنجم - در زندان ساحل طلا
۳۱۲	فصل سی و ششم - "راواناه" و جاشوان او
۳۱۹	فصل سی و هفتم - دیدار با "راواناه"
۳۲۷	فصل سی و هشتم - ماری ماگدلین

۳۳۸	فصل سی و نهم - یک جوان مقرون به ناامیدی
۳۴۵	فصل چهلم - وقایع بعد
۳۵۰	فصل چهل و یکم - ماجرای جدید دریا
۳۶۰	فصل چهل و دوم - در قرنطینه
۳۷۱	فصل چهل و سوم - سرنوشت جدید
۳۷۶	فصل چهل و چهارم - مراجعت به هندوچین
۳۸۴	فصل چهل و پنجم - آنچه می باید به وقوع پیوندد
۳۹۳	فصل چهل و ششم - "روبن سود" جدید و "روبین سود" او
۴۱۳	فصل چهل و هفتم - زندگی نوین من
۴۳۲	فصل چهل و هشتم - احضار من به قریه
۴۳۶	فصل چهل و نهم - تغییر روش "وانا"
۴۴۱	فصل پنجاهم - تنهایی
۴۴۷	فصل پنجاه و یکم - داستان من و کدخدا
۴۵۷	فصل پنجاه و دوم - جدائی از "گولو"
۴۶۶	فصل پنجاه و سوم - در کشور سومالی
۴۷۳	فصل پنجاه و چهارم - یک زندان بزرگ
۴۸۲	فصل پنجاه و پنجم - دنباله زندان الجزیره
۴۹۳	فصل پنجاه و ششم - یکی از محبوسین
۵۱۵	فصل پنجاه و هفتم - هندوچین
۵۲۳	فصل پنجاه و هشتم - وصول به معبد
۵۲۷	فصل پنجاه و نهم - حکم سرنوشت

## سخن اول

شادروان ذبیح‌الله منصوری، بی‌شک یکی از تواناترین مترجمین ایران بود تمام کتابهای ترجمه شده بوسیله او دارای سلاست و روانی کلمات بود. و خواننده با شوق فراوان به مطالعه کتاب می‌پرداخت و هیچگونه اظهار خستگی و کسالت نمی‌نمود. شادروان منصوری با وجود آن که صدها کتاب از نویسندگان بزرگ جهان ترجمه کرد. بعلت روانی کلمات و سادگی مطالب بارها مورد استقبال خوانندگان کتاب قرار گرفت. به طوریکه آثار ترجمه شده به وسیله او تاکنون چندین بار تجدید چاپ گردیده است.

ترجمه و نشر شیرین شادروان منصوری امروز هم خوانندگان فراوان دارد. اینک یکی از بهترین ترجمه آن شادروان را به خوانندگان عزیز تقدیم می‌کنیم و امیدواریم از مطالعه کتاب رضایت حاصل نمایند.

ناشر

## توضیح مترجم

کتابی که اینک مطالعه می‌کنید، سرگذشتی است که یک ایرانی که در سپاه لژیون خارجی فرانسه خدمت می‌کرده و خود را به اسم پرویز معرفی نموده به زبان فرانسوی به رشته تحریر درآورده است. این سرگذشت در سی و پنج سال قبل از این به دست من رسید و چون وقایع آن عبرت‌آور و هم آموزنده بود من آن را برای یکی از مجلات هفتگی تهران ترجمه کردم و هر هفته هشت صفحه از این سرگذشت به ضمیمهٔ مجله منتشر می‌شد و مورد توجه خوانندگان آن مجله قرار گرفت. بی‌مناسبت نیست که بگویم حکومت فرانسه از سپاه لژیون خارجی خود فقط در جنگهای مستعمراتی استفاده می‌کرد و آن سپاه در جنگهای اروپا بکار نمی‌افتاد و بعد از جنگ جهانی دوم که مستعمرات فرانسه در آسیا و افریقا و جاهای دیگر مستقل شدند، حکومت فرانسه سپاه لژیون خارجی را به استثنای دو گردان منحل کرد چون دیگر دارای اقلیم مستعمراتی نبود تا بتواند از آن سپاه استفاده کند و اکنون در روز چهاردهم ماه ژوئیه که روز جشن ملی فرانسه است آن دو گردان که از سپاه لژیون خارجی باقی مانده با واحدهای ارتش فرانسه در خیابانهای پاریس رژه می‌روند.

ذبیح‌الله منصوری

اسفندماه ۱۳۶۳



من می‌خواستم در آغاز این سرگذشت به تفصیل شرح زندگی خود و خانواده‌ام که هم‌اکنون در تهران ساکن خیابان امیریه هستند بیان کنم و بگویم که دوره تحصیلات مقدماتی من در تهران چگونه گذشت، و چه شد، که به فکر مسافرت به فرانسه افتادم و بر اثر چه حوادث، داوطلبانه وارد سپاه "لژیون" فرانسه شدم و بعد از آن که پنج سال در آن سپاه خدمت کردم دولت فرانسه موافقت نمود که مراد لشکر چترباز هندوچین بشوم و در مدرسه چتربازی تعلیمات لازم را فراگیرم.

ولی دیدم که شرح زندگی خصوصی و خانوادگی من اگر به تدریج، ضمن حوادث این کتاب بیاید، بهتر از این است که صفحاتی مستقل را در آغاز کتاب اشغال کند؛ زیرا خواننده را خسته خواهد کرد.

من این کتاب را برای اینکه حاوی سرگذشت خانوادگی من در تهران، و تحصیلاتم در فرانسه باشد نمی‌نویسم، تا اینکه مدتی خواننده را با حوادث کوچک فامیلی و اختلافات خانوادگی مشغول نمایم.

من این کتاب را برای این می‌نویسم تا خوانندگان بدانند که در این دوره که قرن هواپیما و بی‌سیم و اتم است برای یکی از هموطنان آنها، حوادثی اتفاق افتاده که از حیث غرابت، خیلی عجیب‌تر از سرگذشت‌های خیالی کتاب هزار و یکشب است، با این تفاوت، که تمام سرگذشت‌های کتاب هزار و یکشب، خیالی بوده، در صورتی که حوادث این کتاب، کاملاً حقیقت دارد.

و چون هدف اصلی، ذکر ماجراهای عجیبی است که سرنوشت ناسازگار برای من بوجود آورد. من سرگذشت خود را از شبی که با چتر نجات، در هندوچین فرود آمدم شروع می‌کنم و مثل سایر نویسندگان، برای اینکه حوادث زندگی من، مشخص باشد، و خوانندگان عزیز، مطالب را بهتر بفهمند برای هر قسمت فصلی تعیین می‌کنم.